

مضامین قرآنی در منشآت تفرشی و میبیدی

سید محسن مهرابی^۱

محمد امیر عبیدی نیا^۲

رحیم کوشش شبستری^۳

چکیده

توجه به آیات و مفاهیم قرآنی از دیرباز مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده تا جایی که بررسی جایگاه آیات قرآنی یکی از راه‌های شناخت مقدار دانش دینی نویسندگان و شعرا می‌باشد. این اثرپذیری که از قرن هفتم به بعد به اوج خود می‌رسد به شیوه‌های متفاوتی چون واژگانی، گزاره‌ای، الهامی و... صورت می‌گیرد. اثرپذیری واژگانی به سه شیوه ترجمه، برآیندسازی و وام‌گیری است و اثرپذیری گزاره‌ای به انواع تبرکی، توضیحی، استنادی و... انجام می‌پذیرد. یکی از انواع نثر فارسی نامه‌نگاری است که در عصر صفوی مورد توجه نویسندگان و منشیان بوده است. در این پژوهش به شیوه تحلیلی - توصیفی به جست‌وجوی ویژگی‌های تأثیرپذیری دو منشی از دوره صفوی (میبیدی و تفرشی) خواهیم پرداخت. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که میبیدی به اقتضای شغلش که منصب قضاوت شهر را برعهده داشته، بیشتر و تخصصی‌تر از تفرشی از آیات قرآنی استفاده می‌کند و در زمینه‌های واژگانی، الهامی، تعریفی، تبرکی و استنادی بیشتر از تفرشی به آیات قرآنی توجه دارد. تفرشی آیات قرآنی را در زمینه‌های توضیحی و استنادی و در مواقع ضروری بدون تکلف به کار می‌برد.

واژگان کلیدی

مضامین، آیات قرآن، منشآت، دوره صفوی، میبیدی، تفرشی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: mohsen_mehrabi700@yahoo.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: m.obaydina@urmia.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: kooshesh_ad@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۳

طرح مسأله

بدون شک در ادبیات فارسی، شعرا و نویسندگان از آغاز تا امروز خواسته یا ناخواسته از واژگان، ترکیبات و مفاهیمی استفاده جسته‌اند که با واژگان، ترکیبات و مفاهیم برگرفته از آیات قرآن و احادیث بزرگان شباهت‌هایی دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت در بسیاری از موارد این شباهت‌ها تصادفی نیست و الزاماً باید گفت که شعرا و نویسندگان از قرآن و حدیث تأثیر پذیرفته‌اند. با توجه به موقعیت‌های مکانی و زمانی و نیز حادث شدن اتفاقات، تأثیر امور دینی و مذهبی نوسان کرده و کم و زیاد می‌شود. این مقاله با شیوه تحلیلی - توصیفی به بررسی جایگاه آیات قرآنی در دو اثر از آثار ادبیات دوره صفوی می‌پردازد. منشآت میبدی و منشآت تفرشی دو نمونه از کتب با موضوع مشابه در یک دوره خاص تاریخی هستند که توسط دو تن از منشیان دوره صفوی به رشته تحریر درآمده‌اند.

رواج زبان عربی در همه جغرافیای اسلام به ویژه ایران سبب تأثیر قرآن و زبان وحی بر همگان خاصه نویسندگان و ادیبان شد. اثرپذیری شاعران و نویسندگان زبان فارسی از قرآن و حدیث که از قرن چهارم رواج یافته بود، در قرن هفتم و با رشد چشمگیر عرفان و تصوف و نیز ادبیات تعلیمی به اوج خود رسید (راستگو، ۱۳۸۳: ۶). سیده زهرا موسوی و محسن ذوالفقاری معتقدند که شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان پس از قرن دوم هجری تحت تأثیر کلام الهی و سخنان معصومین علیه السلام قرار گرفتند و تحولی عظیم در عرصه نظم و نشر ایجاد کردند (موسوی و ذوالفقاری: ۱۳۹۲، ؟). آمیختن فرهنگ ایرانی با آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام روز به روز بیشتر شد تا اینکه در قرن‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم این تأثیرپذیری به اوج خود رسید به گونه‌ای که شعرای چون سنایی، حکیم ناصر خسرو، خاقانی، مولوی و حافظ هر یک به سبک و سیاق خود با استفاده از قرآن و حدیث، اندیشه خود را تعالی بخشیدند. در نشر فنی و به خصوص در منشآت که نویسنده قصد اقناع مخاطب بر مدعای خود و نیز تحریض او به امری دارد این شیوه به وضوح دیده می‌شود. شاعران و نویسندگان گاه آشکار و گاه پوشیده و البته به شیوه‌های مختلف از آیات قرآنی و احادیث استفاده می‌کنند. منطقی است که به این باور برسیم و بگوییم که سبک و سیاق این تأثیرپذیری‌ها و به عبارتی اصالت سبک شعرا و نویسندگان در دنیای اثرپذیری از

یکدیگر متفاوت است. به فرض مثال، ساختار و ترکیب‌های برگرفته از قرآن و حدیث در قصاید انوری با آثار خاقانی شروانی تفاوت دارد و این تفاوت را در آثار دیگران نیز می‌بینیم. در واقع با بررسی وجوه افتراق و اشتراک شعرا و نویسندگان در تأثیرپذیری می‌توان اصالت سبک آنها را مورد بررسی قرار داد.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش در این مورد می‌توان به کتاب تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی از علی اصغر حلبی و کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از سید محمد راستگو، کتاب آیات مثنوی تالیف محمود درگاهی، احادیث مثنوی تالیف استاد بدیع‌الزمان فروزانفر و مقالات شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر ناصر خسرو، شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر نظامی و مقاله نقد و تحلیل رویکردهای مبتنی در قرآن و حدیث در شعر خاقانی از محسن ذوالفقاری و سیده زهرا موسوی اشاره کرد.

روش تحقیق

در این پژوهش کوشش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا پس از بررسی منشآت دو نویسنده در دوره صفوی، ویژگی‌ها و چگونگی استفاده نویسندگان از آیات قرآنی در محتوای نامه‌ها استخراج شود. از همین روی، نخست به استخراج آیات قرآنی از این دو متن پرداخته‌ایم سپس با مقایسه این ویژگی‌ها با هم، کوشیده‌ایم نشان دهیم، که سطح فکری و نگارشی دو نویسنده مذکور را بیان کنیم.

مبانی نظری

۱. منشآت و انواع آن

به طور کلی، نامه‌ها و منشآت را در ادب فارسی، به سلطانیات و اخوانیات تقسیم کرده‌اند. در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی»، نامه‌ها و مکاتیب به سه دسته‌ی: سلطانیات، دیوانیات و اخوانیات تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی، دیوانیات غیر از سلطانیات فرض شده و در تعریف دیوانیات آمده است: «دیوانیات، نوشته‌هایی هستند که درباره‌ی مسائل و امور دولتی و کشوری و دستگاه‌های اداری تهیه می‌شده‌اند؛ مانند:

منشور، فرمان، مثال، تویق، یرلیغ، آل تمغا، تعلیقه، برات و... و بر اثر تسامح، بعضی سلطانیات و دیوانیات را یکی دانسته‌اند و هر دو را سلطانیات فرض می‌کنند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۲-۴۳). با این حال و در حالت کلی بهتر است که دو نوع دیوانی و سلطانی را در یک گروه قرار دهیم. نامه‌های سلطانی و اخوانی، هر یک به سبک خاصی نگارش می‌یافت و تفاوت میان سبک سلطانیات و اخوانیات، به اندازه‌ای است که ممکن بود افرادی در یکی از این دو نوع استاد باشند و در دیگری ناتوان.

مراد از سلطانیات: «نامه‌های سلطانی، فرمان‌ها و منشورها و نامه‌هایی که از دربار پادشاهان و سلاطین صادر می‌شده و یا نامه‌هایی که پادشاهان و امرا به یکدیگر و به زیر-دستان خود می‌نوشته‌اند و یا از زیردستان آنان بدیشان نوشته شده است» (انوشه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۲۲). به طور کلی، سبک سلطانیات، از قرن ششم به بعد، مصنوع و متکلفانه است، اما فقط نامه‌های درباری نبود که به نثر فنی نوشته می‌شد، چنان‌که خاقانی در نامه‌هایی که به دوستان نوشته است، همچنان که به شاهان، از نثر فنی استفاده کرده است.

مقصود از اخوانیات: «نامه‌های محبت‌آمیز و دوستانه‌ای است که طبقات مختلف مردم به یکدیگر می‌نوشته‌اند» (همان: ۳۰). به سلطانیات: نامه‌های دیوانی یا دیوانیات، نامه‌های رسمی، دولتی اداری و به اخوانیات: نامه‌های دوستانه، خصوصی و یا غیررسمی نیز گفته‌اند (تویسرکانی، ۱۳۸۳: مقدمه، ۱۳۱).

۲. معرفی منشآت میبیدی و تفرشی

منشآت میبیدی نوشته امیرحسین قاضی میر بن معین‌الدین حسینی میبیدی، ادیب و ریاضی‌دان حکیم قرن دهم هجری و از شاگردان جلال‌الدین دوانی است. وی در شعر مهارت داشته و منطقی تخلص می‌کرده و البته حکیمی مشایی نیز هست که به عرفان و سلسله‌های تصوف نیز گرایش دارد. دلیل انتخاب منشآت وی این است که در ابتدای دوره صفوی می‌زیسته و این دوره یکی از سرفصل‌های تغییر و تحول در ادبیات فارسی است. منشآت میبیدی شامل ۱۱۲ نامه در موضوعات مختلف و مخاطبین متفاوت چون میرعلیشیر نوایی، شیخ محمد لاهیجی، زین‌الدین علی فریدی و... است که در سال ۱۳۷۶ با تصحیح دکتر نصرت‌الله فروهر توسط دفتر نشر میراث مکتوب منتشر شده است.

منشآت میبدی مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی را شامل می‌شود. مصحح کتاب، دکتر نصرت‌الله فروهر، نامه‌ها را به دو بخش تقسیم می‌کند. بخش اول شامل هشتاد نامه است که در تمام چهار نسخه خطی مصحح مورد استفاده بوده‌اند اما سی و دو نامه دیگر منحصر به فرد هستند و فقط در یکی از چهار نسخه مذکور ذکر شده‌اند. موضوعات مهم و محوری منشآت میبدی را به طور کلی می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱- اشاره به روابط متقابل شخصیت‌های سیاسی

۲- کیفیت سلوک آن بزرگمردان

۳- اشاره به وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان مؤلف

۴- شرایط شخص قاضی و شرایط و کیفیت منصب قضاوت از نظر مذهب شافعی

۵- اظهار تأسف از اوضاع اجتماعی زمانه و همچنین شکایت از مردم دون پایه

۶- توجه به مبادی و اصول فلسفه و عرفان در حکمت اسلامی.

میبدی خود گردآورنده نامه‌هایش بوده است (فیاض انوش، ۱۳۸۹: ۹۸). به همین علت در ترتیب نامه‌ها دقت داشته است.

منشآت تفرشی نوشته محمد بن حسین فضل‌الله حسینی تفرشی (ف ۱۰۴۱ق) از منشیان دوره صفوی است که در علوم عقلی و شرعی از معلومات کافی برخوردار بوده است. مطابق گفته صاحب عالم آرای عباسی، تفرشی سال‌ها شاگرد میرزا ابراهیم همدانی بوده و این همدانی بر حکمت و علوم عقلیه تسلط داشته است. تفرشی دارای طبع شعر بوده و به نظر می‌رسد تعدادی از ابیات استفاده شده در رسایل او از سروده‌های خودش باشد. نامه‌های وی به دو دسته اخوانی و دیوانی تقسیم می‌شوند. از نظر محتوا این نامه‌ها اطلاعات ارزشمندی در زمینه تاریخ اجتماعی، سیاسی و ادبی ایران در سده ۱۱ هجری به دست می‌دهد. برای نمونه در این نامه‌ها مناسبات سیاسی صفویان با امپراطوری عثمانی و گورکانیان هند به خوبی بیان می‌شود. بسیاری از نامه‌ها از سوی شاه عباس، مقتدرترین پادشاه صفوی، نوشته می‌شود و این نکته از نظر اجتماعی اهمیت دارد. منشآت تفرشی شامل ۴۴ نامه اخوانی است که از آنان میرزا طالب خان با مخاطب قرار گرفتن در ۱۴ نامه بیشترین سهم را دارد. در این کتاب ۹ نامه دیوانی و چهار عریضه هم دیده می‌شود. در بیان مهمترین مسائلی

که تفرشی در نامه‌هایش به آنها اشاره می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در هم شکستگی اخلاقی در مناسبات اجتماعی و اداری افراد که سبب مطامع سوداگرایانه، بازار خیانت و ظلم بر یکدیگر در جامعه می‌شود.
- اعتراض به بعضی از نامداران سیاسی و حکومتی به دلیل بی‌توجهی او نسبت به رعایت قوانین شریعت و امساک از شرب خمر و گوش فرا دادن به آواز و موسیقی
- انتقاد از دستگاه حکومتی صفوی به جهت واگذاری امور دیوانی به کسانی که از تجربه و دانش کافی بهره‌مند نبوده‌اند.

کتاب منشآت تفرشی با تصحیح و تعلیق دکتر محسن بهرام نژاد توسط مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

آنچه که در این مجال، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، بررسی جایگاه قرآن و تأثیر آیات کتاب وحی بر اندیشه و نوشته‌های این دو منشی عصر صفوی است که بیشتر بر روی اخوانیات آن متمرکز می‌گردد.

۳. انواع اثرپذیری

اثرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی از قرآن آشکار است. استفاده از قرآن علاوه بر اینکه نشان‌دهنده دانش نویسنده بود، به اثر او نیز قداست و احترام می‌داد و آن را پذیرفتنی می‌کرد. بر همین اساس شاعران و نویسندگان زبان فارسی سعی می‌کردند به شیوه‌های گوناگون مانند استفاده از یک واژه یا یک گزاره از روش‌های متعدد نوشته خود را تبرک کنند. انواع این اثرپذیری در زیر بیان می‌شود.

۳-۱. واژگانی

در این شیوه از اثرپذیری، شاعر و نویسنده در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر و نوشته خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم توسط خود شاعر یا نویسنده یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند (راستگو، ۱۳۸۳: ۱۵). اثرپذیری واژگانی به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی بخش پذیر است.

الف) وام‌گیری

در این شیوه، واژه یا ترکیبی قرآنی با همان ساختار عربی خود، بی هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند، به زبان و ادبیات فارسی راه می‌یابد. مثلاً:

نوشته‌اند بر ایوان جنه المأوی که هر که عشوة دنیا خرید وای به وی
حافظ

شاعر از ترکیب جنه المأوی که ترکیبی قرآنی است استفاده کرده. این ترکیب با همین ساختار در این آیه قرآنی آمده است: *وَلَقَدْ رَءَاةَ نَزْلَةَ أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (سوره نجم/۱۳-۱۵).*

یا مثلاً خاقانی دو عبارت «قاب قوسین» و «بعد الشمرقین» را در بیت
باتو قرب قاب قوسین آنکه افتد عشق را کز صفات خود به بعدالمشرقین مانی جدا
(خاقانی، ۱)

می‌آورد که به دو آیه زیر به تفکیک اشاره می‌کند:

فكأنَّ قاب قوسین او ادنی (نجم / ۵۳)

قال یا لیت بینی و بینک بعدالمشرقین فبئس القرین (زخرف / ۳۸). (موسوی و ذوالفقاری: ۱۳۹۲، ۹).

ب) ترجمه

در این شیوه شاعر یا نویسنده از لفظ پارسی‌شده واژه یا ترکیبی قرآنی بهره می‌گیرد (راستگو، ۱۳۸۳: ۱۷). مثلاً در این بیت از حافظ وادی ایمن ترجمه الواد الایمن است:

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستم همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم
(حافظ)

وادی ایمن را در آیه ۳۰ از سوره مبارکه قصص داریم: *فَلَمَّا اتَّيَّهَأُ تُودَىٰ مِّن شَاطِئِ الْوَادِ الْاِیْمَنِ فِی الْبَقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِّنَ الشَّجَرِہِ اَنْ یَّا مُوسٰی اِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ.*

یک گونه از ترجمه زمانی است که زمانی است که ترکیب‌ها متشکل از دو واژه هستند که عیناً در قرآن آمده‌اند. به عنوان نمونه ترکیب «وادی ایمن» برگرفته از آیه شریفه

«شاطی الواد الایمن» (القصص: ۳۰) است که به سیاق فارسی، یعنی بدون الف و لام تعریف در این بیت دیده می‌شود:

محل امن و امانی که وادی ایمن هر آن‌چه داشت از آن خطه‌یابان داشت
(کمپانی، ۱۳۰۰: ۲۱۰).

ج) برآیند سازی

در برآیندسازی واژه یا ترکیبی بی آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن آمده باشد بر پایه مضمون آیه در متن ادبی قرار می‌گیرد (راستگو، ۱۳۸۳: ۱۷).

یک قوم به کزنا گردیده مخاطب قوم دگری همچو دواب آمده بلهّم
(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۳۸۲)

در آیه ۷۰ از سوره مبارکه (الاسراء) داریم «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و نیز در سوره (فرقان) آمده «...بَلَّهْمُ أَصْلَ سَبِيلًا» (الفرقان: ۴۴). خوشدل تهرانی از این دو آیه به شیوة برآیندسازی در این بیت استفاده می‌کند

۲-۳. گزاره‌ای

در این شیوه گوینده عبارتی قرآنی را با همان ساختار عربی بی هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری در سخن خود جای می‌دهد. این گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگون انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمّن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تحذیر و تحریض، تشبیه و تمثیل و... (راستگو، ۱۳۸۳: ۳۰). اثرپذیری شاعران از قرآن کریم به شیوة اقتباس در دو حالت بررسی می‌شود. حالت اول که به آن اقتباس و تضمین می‌گویند،

۳-۳. الهامی

یکی از رویکردهای دیگر نویسندگان در به کارگیری آیات قرآنی، رویکرد الهامی است. در رویکرد الهامی، گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و مطلب خویش را بر آن نکته الهام گرفته شده بنیان می‌نهد. در اثرپذیری الهامی، گاه سخن آن چنان آشکار است که بیشتر به ترجمه‌ای آزاد (مضمون‌گیری) شبیه است اما گاه این تأثیرپذیری پنهان است و درک آن دشوار می‌نماید (راستگو، ۱۳۸۳: ۴۷).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. بررسی تاثیر قرآن در منشآت میبدی

۱-۱. واژگانی

یکی از رویکردهای اصلی میبدی در به کارگیری ترکیبات قرآنی رویکرد واژگانی است. یعنی نویسنده واژه‌ای از قرآن یا ترکیبی اضافی و وصفی از قرآن را در متن نامه به کار می‌برد. این حالت ممکن است به سه شیوه و ام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی باشد. از میان ۴۵ ترکیب واضحی که در متن نامه‌ها موجود است تعداد ۲۴ مورد آن واژگانی است که تقریباً ۵۲ درصد را شامل می‌شود. از این تعداد، ترجمه بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد. برآیندسازی و ام‌گیری سهمی به نسبت مساوی دارند که شواهد آنها در زیر بیان می‌گردد:

الف) ترجمه

- بنای این مجموعه که نمونه بیت معمور است، بر چهار ارکان افراختم (ص ۷۶).
- * والبيت المعمور و السقف المرفوع (الطور / ۴).
- هر که بی لنگر شریعت او قدم در بحر عرفان نهاد، خاک وجود خود را از صرصر صلابت بر باد داد (ص ۹۰).
- * و أما عاد فأهلكوا بريح صرصر عاتیه... (الحاقه / ۶).
- در مصداق این کلام حقیقت نظام آن است که خلاصه جن و انس... (ص ۹۵).
- * يا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض (ارحمن / ۳۳).
- قلم همایون رقمش چون عصای موسی در سواد اعجاز ید بیضا نماید (ص ۱۰۰).
- * فقلنا اضرب بعصاك الحجر (بقره / ۶۰)
- * و نزع يده فاذا هي بيضا للناظرين (الشعراء / ۳۳).
- ... حلال مشکلات غیبی و کشف معضلات لاریبی است (ص ۲۳۶).
- * و جعل لهم اجلاً لاریب فيه فابی الظالمون الا كفورا (الاسراء / ۹۹).
- و چون لشکر جرار، جراد به امر حصاد اهتمام داشتند (ص ۱۲۵) / او نیز به جمع

لشکر جرار بسیار و تهیه کارزار اشتغال نمود (ص ۲۲۰).

* خشعا أبصارهم یخرجون من الاجداث كأنهم جراد منتشر (القمر / ۷).

- واسطة اجر جزیل و رابطة ذکر جمیل خواهد بود (ص ۱۵۹).

* فاصبر صبراً جمیلاً (معارض / ۵).

- و خدا نور حقیقی می گوید و این مذهب مجوس است (ص ۲۰۰).

* ان الذين آمنوا و الذين هادوا و الصائين و النصارى و المجوس و الذين اشركوا ان

الله یفصل بينهم یوم القیامه (حج / ۱۷).

- بی آنکه... در طلب آیات نصرت آیات جمع نمایند کالبرق الخاطف و الریح

العاصف متوجه ممکنات او شد (ص ۲۱۹).

* هو الذى یسیرکم فى البرّ و البحر حتى اذا كنتم فى الفلك و حجرین بهم بریح طیه

و فرخوا بها جاءتها ریح عاصف و حاءهم الموج من كل مكان (یونس / ۲۲).

- ابو محمد غزالی را به نفی حشر اجساد متهم داشته اند (ص ۲۰۱).

* و اذا الوحوش حُشرت (تکویر / ۵) و ما من دابه فى الارض و لا طائر یطیرُ بجناحیر

الامم امثالکم ما فرطنا فى الكتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون (انعام / ۳۸).

- به ظهور پیوندد و از عالم غیب ظاهر گردد (ص ۲۳۴).

* عالم الغیب و الشهاده و الکبیر المقال (الرعد / ۹).

- چون آثار توبه نصوح که صیقل آینه روح است از ناصیت ناحیه اعلى جناب

مکتوب له ظاهر است (ص ۲۴۶).

* یا ایها الذین امنوا توبوا الی الله توبه نصوحا (تحریم / ۸).

(ب) وام گیری

- به حاشیه ضمیر منیر که منتخب کتاب مبین است رقم ثبت یابد (ص ۴۲).

* لا رطب و لا یابس الا فى کتاب مبین (انعام / ۵۹).

- مقام عنقای روح و ورقای نفس او در قاب قوسین قرب معین... (ص ۶۲).

* فکان قاب قوسین أو أدنی (نجم / ۹).

- لیکن چون به عین یقین مشاهده کرد که هر چه هست رقم یک قلم است...

(ص ۷۷).

* کلا لو تعلمون علم یقین لترون الجحیم ثم لترونها عین یقین (تکائر / ۵-۷).

- و تا غایت ارحم الراحمین مرا محفوظ داشته که... (ص ۱۵۷).

* هو ارحم الراحمین (یوسف / ۶۴).

- دوام دولت ابدی ... از دولت سرمدی استدعا می نماید، آنه مجیب لایخب

(ص ۲۳۶).

* فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب (هود / ۶۱).

ج) برآیندسازی

- آنچا اسما حسنی از روی حقیقت سبع مثنائی او... (ص ۱۰۸).

* و لقد اتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم (حجر / ۷۸).

- به تأیید الهی استقبال کعبه حشمت و استقلال نماید (ص ۸۶).

* و الله یؤید بنصره من یشاء ان فی ذلک لعبره لاولی البصار (آل عمران / ۳).

- جبرئیل امین با علو قدر در شب معراج به غاشیه کشی او افتخار کرد (ص ۹۳).

در مورد جبرئیل در قرآن سه بار به کار رفته. اما تعابیر دیگری در قرآن است که

مفسران آن را ناظر بر جبرئیل دانسته اند... مانند:

* نزل به الروح الامین (شعرا / ۱۹۳)

- خدام سدره مقام از این حدود روشنی باز گرفته (ص ۲۰۸).

* و لقد رآه نزله اخری، عند سدره المنتهی (نجم / ۱۳-۱۴).

- انوار هدایت در طی آن مندرج بود (ص ۴۵).

* الله نور السموات و الارض (نور / ۳۵). در بحار الانوار داریم: هدی من فی

السموات هدی من فی الارض. برآیند این آیه و این روایت چنین می شود که خدایی که

نور آسمان و زمین است هدایت می کند.

- از حکمت عین حضرت علیم علام که منشرح صدر است (ص ۲۳۶).

* افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه (الزمر / ۲۲).

جدول استفاده میدی از اقتباس واژگانی:

تعداد ترکیب‌ها	ترجمه	وام‌گیری	برآیندسازی
۲۴	۱۳	۵	۶
درصد	۵۴	۲۰/۸	۲۵

۲-۱. الهامی

یکی از رویکردهای دیگر میدی در به کارگیری آیات قرآنی، رویکرد الهامی است. همانطور که گفتیم در رویکرد الهامی، گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و مطلب خویش را بر آن نکته الهام گرفته شده بنیان می‌نهد. در اثرپذیری الهامی، گاه سخن آن چنان آشکار است که بیشتر به ترجمه‌ای آزاد (مضمون‌گیری) شبیه است اما گاه این تأثیرپذیری پنهان است و درک آن دشوار می‌نماید.

- هر که بی لنگر شریعت او قدم در بحر عرفان نهاد، خاک وجود خود را از صرصر صلابت بر باد داد (ص ۹۰).

* و أما عاد فأهلكوا بريح صرر عاتيه (الحاقه / ۶).

- کوهی حایل است میان ما و یاجوج و ماجوج که لشکر ابلیس اند (ص ۹۷).

* حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوماً لایکادون یفقهون قولاً (کهف / ۹۳)

حتی اذا فتحت یاجوج و ماجوج و هم من کل حدب ینسلون (انبیا / ۹۶)

- الفاظ جان‌پرداز او چون نفس عیسی مرده را زنده می‌کند (ص ۱۰۰).

* و رسولاً الی بنی اسرائیل أنى قد جئتکم بآیه من ربکم ... وَأُحى الموتى باذن الله (آل

عمران / ۴۹).

- قلم همایون رقمش چون عصای موسی در سواد اعجاز ید بیضا نماید (ص ۱۰۰).

* فقلنا إضرب بعصاک الحجر (بقره / ۶۰). و نزع یده فإذا هی بیضا للناظرین (الشعراء /

۳۳).

- در این سال آن مقدار باران رحمت الهی از آسمان فیض نامتناهی نزول یافته که

پرتو... (ص ۱۲۴).

* و هو الذی یرسل الريح بشرا بین یدی رحمته و انزلنا من السماء ماء طهورا (فرقان /

- رشوه از مترافین گرفتن و اوقاف و اموال ایتم ... تصرف کردن (ص ۱۴۳).
- * فاما الیتیم فلاتقهر و اما السائل فلاتنهر و اما بنعمه ربك فحدث (ضحی / ۶-۱۱).
- ثامن آنکه حج بر من فرض است (ص ۱۶۰).
- * و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و انا و اتخذوا من مقام ابراهى مصلى و عهدنا الى ابراهيم و اسماعيل أن طهرا بيتى للطائفين و العاكفين و الرُّكَّع السَّجُود (بقره / ۱۲۵).
- قصه اصحاب كهف و سگ ایشان یاد می آورم (ص ۱۸۹).
- * سيقولون ثلثة رابعهم كلبهم و يقولون خمسة سادسهم كلبهم رجماً بالغيب و يقولون سبعة و ثامنهم كلبهم (كهف / ۱۸).
- منتقم جبار مكافات این اعمال، اقبال را به ادبار مبدل می گرداند (ص ۲۳۴).
- در قرآن و در آیاتی که صفای خداوندی را برمی شمارد، یکبار به جبار اشاره می کند:
- * هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلم المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون (حشر / ۲۳).
- در جایی دیگر خداوند ذو انتقام نامیده می شود:
- * لا تحسن الله تخلف وعده رسله ان الله عزيز ذوانتقام (ابراهيم / ۴۷).
- ترکیب این دو آیه الهامی برای نویسنده می شود تا ترکیب منتقم جبار را به کار ببرد.

۶-۱-۳. گزاره‌ای

گفتیم که در تأثیرپذیری گزاره‌ای، نویسنده بخشی یا کلّ آیه را در متن می آورد. این شیوه از تأثیرپذیری از قرآن به قصد تبرک، توضیح، استناد، تحریض و... خواهد بود. تأثیرپذیری گزاره‌ای بیشتر در متون نثر به کار می رود. میدی از جمله نویسندگانی است که با قرآن آشنایی کافی دارد. او حتی یکی از نامه‌های خود را کاملاً به زبان قرآنی و با استفاده از آیات قرآن می نویسد که در نوع خود کم نظیر است. بخشی از این نامه را ذکر می کنیم:

و هذا صراط ربك مستقيماً قد فضلنا الآيات لقوم يذكرون (انعام / ۱۲۶) بل هو آيات بينات فى صدور الذين اوتوا العلم و مايجحد بآياتنا الا الظالمون (عنكبوت / ۴۹) تلك آيات

الله نتلوها عليك بالحقّ و ما الله يريد ظلماً للعالمين (آل عمران / ۱۰۸) کتاب احکمت آیاته ثمّ فصلت من لدن حکیم خبیر (هود / ۱) و من الناس من يجادل في الله بغير علم و لا هدى و لا کتاب منیر (حج / ۸) ختم الله على قلوبهم و على سمعهم و على ابصارهم غشاوه و لهم عذاب عظیم (بقره / ۷).

شیوه‌های تأثیرپذیری گزاره‌ای میبیدی عبارتند از:

الف) تبرک

یکی از مواردی که میبیدی از آیات قرآنی استفاده می‌کند به جهت تیمن و تبرک است. این حالت را در ابتدا یا انتهای نامه‌ها می‌بینیم:

در ابتدای نامه‌ای و بعد از آوردن سه بیت به زبان فارسی، آیه‌ای از قرآن می‌آورد: الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن (فاطر / ۳۴) (میبیدی، ۶۳).

ابتدای نامه: فله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمين و له الكبرياء فى السموات و الارض و هو العزيز الحكيم (جاثیه / ۳۶)

ابتدای نامه: ربّنا آتنا فى الدنيا حسنه و فى الآخرة حسنه و قنا عذاب النار (بقره / ۲۰۱) در نامه‌ای دیگر و در پایان آن باز هم به قصد تبرک از آیه قرآنی استفاده می‌کند: و على الله فليتوكل المؤمنین (ابراهیم / ۱۲). (همان، ۶۹).

از موارد استفاده از قرآن به قصد تبرک در انتهای نامه داریم:

در انتهای نامه می‌آورد: و نیز یوسف صدیق فرموده‌اند: اجعلنی على خزائن الارض ائى حفيظ عليم (یوسف / ۵۵) (همان، ۱۳۳).

انتهای نامه: الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور (فاطر / ۳۴) (همان، ۱۹۷).

انتهای نامه: بحقّ (نون و القلم و مایسطرون) (قلم / ۱) (همان، ۶۸)

در مواردی هم نویسنده با استفاده از جملات معترضه و به قصد تبرک از آیات قرآنی استفاده می‌کند. در منشآت میبیدی و در بخش گزاره‌های قرآنی دو مورد از جملات معترضه می‌بینیم.

- آفتاب عالم تاب ضمیر منیر به معرض جلوه می‌آید و (کفى بالله شهيداً (نساء / ۷۹))

که شوق به مجاوره سعادت شعار و... (همان. ۴۲).

- مرگ دولتی است از حدّ وصف بیرون. از مرتبه شرح افزون (إنا لله وانا اليه راجعون (بقره / ۱۵۶)) (همان. ۸۱).

همچنانکه مشاهده می‌شود در میان ۵۸ گزاره قرآنی که در متن نامه‌های فارسی میدی می‌آید، سهم آیات در ابتدا و انتهای نامه‌ها ده نامه است که تقریباً هفده و دو دهم درصد را شامل می‌شود. در این بین ۶۲ درصد آیات تبرکی به انتهای نامه‌ها اختصاص می‌یابد. مشخص است که نویسنده بیشتر توان خود را در استفاده از آیات قرآنی بر روی متن نامه‌ها می‌گذارد و به شیوه اکثر نویسندگان و منشیان که ابتدا و انتهای نامه را به قصد تبرک با آیات قرآنی تزیین می‌کنند عمل نمی‌نماید.

ب) تعریفی

در مواردی نویسنده از آیه قرآنی به صورت گزاره‌ای استفاده می‌کند تا واژه یا موضوعی را تعریف کند. چنین حالتی بیشتر در متون نثر اتفاق می‌افتد و استفاده از آن در شعر نادر است. از آنجا که میدی دانش کافی در زمینه علوم قرآن و دینی دارد، بعضی از موارد مطرح شده در نامه‌ها را با بهره‌گیری از نص صریح قرآنی تعریف می‌کند. مانند موارد زیر:

- تعریف کلمه فاسق:

* الفواسق و الفواجر (الذین خرجوا من دیارهم بطراً و رثاء الناس (انفال / ۴۷)) (میدی. ۶۷).

- تعریف سالکان:

* خود را در سلک سالکان سالک: (قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربی (شوری / ۲۳)) می‌شمارد (همان. ۸۵).

- تعریف کلمه ضلالت:

* به کام دل علم ضلالت در میدان جهالت برافرازند (و اذ قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون (بقره / ۱۱-۱۲)).

- تعریف گمراهان:

* ارباب حق به حقوق شرعی خود رسیدند و اصحاب باطل سر در گریبان باطل کشیدند (لقد ابتغوا الفتنة من قبل و قلبوا لك الامور حتى جاء الحق و ظهر امر الله و هم كارهون (توبه/ ۴۸)). (و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا انفسهم يظلمون (توبه/ ۷۰)) (همان. ۱۰۷).

- تعریف طبع سالم:

* طبع سليمه كه بر (فطره الله التي فطر الناس عليها (روم/ ۳۰)) باقی می‌باشند (همان. ۱۴۴).

- تعریف کلمة موحد:

* اما تمیز موحد از ملحد و تفرقة تحقیق اینجا می‌شود که موحد حق را در صورت کثیره به حکم (يعرفون كلا بسماهم (اعراف/ ۱۲)) هر یک را به صورت امتیاز خودش می‌شناسد و جمع را در عین تفرقة می‌بیند (همان. ۲۰۲).
تعداد تعاریف قرآنی در بین گزاره‌های استفاده شده از آیات قرآنی شش مورد است که حدوداً ده و سی و چهار دهم درصد گزاره‌ها را شامل می‌شود.

ج) توضیحی

یکی دیگر از شیوه‌های مرسوم نویسندگان در استفاده گزاره‌ای از آیات قرآنی استفاده از بخش یا تمام آیه قرآن در قسمتی از جمله است که غالباً برای توصیف و یا توضیح موضوع به کار می‌رود. به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:
- خطاب مستطابش صدای (فاتوا بسوره من مثله (بقره/ ۲۳)) در گنبد گردون انداخت (مبیدی. ۳۹).

- یکی معاتب شد به عتاب (اخرج منها فأنك رجيم و ان عليك اللعنه الی يوم الدين (حجر/ ۳۵)) و یکی مخاطب گشت به خطاب (سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدین (زمر/ ۷۳)). (همان. ۵۰).

- آنکه عیسی نفس ناطقه‌اش در مهد بدن به (إني عبدالله آتانی الكتاب و جعلنی نبیاً (مریم/ ۳)) متکلم است (همان. ۵۶).

- چون لوح سخن در مکتب (اقرا و ربك الاكرم، الّذی علّم بالقلم. علّم الانسان ما لم يعلم (علق / ۱-۴)) مرقوم رقم دوام است (همان. ۷۴).
- خواست که به کسوت (السابقون السابقون اولئك المقربون (واقعه / ۱۰)) برآید (همان. ۸۶).
- آیه (تجر من تحتها الانهار (تحريم / ۸)) که در شأن بهشت نازل است (همان. ۸۶).
- خود را در قطع مسافت بعید الراجل یافت و با اهل اتصال به احرام حرم اقبال نتوانست شتافت (یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً (نساء / ۷۳)). (همان. ۸۶).
- لام او چون زلف خوبان تأویل (و اعدنا موسی ثلاثین ليله (اعراف / ۱۴۲)) بر صفحه رخسار نگارم... و میم او در خلوتخانه (فتمّ میقات ربه اربعین ليله (اعراف / ۱۴۲)) نقاب یقین از ... بردارد (همان. ۹۹).
- هاتف غیبی آیه (فاصبح هشیماً تذروه الريح و كان الله على كل شی مقتدرأ (كهف / ۴۵)) را به زبان قال می خواند (همان. ۱۲۴).
- چون از باطن ایشان صدای (ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنوکونن من الخاسرین (اعراف / ۲۳)) بر می خیزد (همان. ۱۲۶).
- و هارون با موسی گفت: (لا تشمت بی الاعداء (اعراف / ۱۵۰)) فرموده (همان. ۱۲۳).
- هر چند که کریمه (لا تأخذکم بهما رأفه ف دین الله (نور / ۲)) ملاحظه می کنم علاج این مرض نشود (همان. ۱۵۸).
- من هنوز از جاده تعظیم و تکریم او بیرون نمی روم و ملاحظه (لا تستوی الحسنه و لا السيئه، ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك و بينه عداوه كأنه لولئ حميم (فصلت / ۳۴)) نموده (همان. ۱۶۹).
- اینجا لاجرم از یک طرف آوازه (أنا خير منه (اعراف / ۱۲)) زدند و از دیگر طرف (نحن نسبح بحمدك (بقره / ۳۰)) ظاهر شد (همان. ۲۰۲).
- در شأن کمان که به شرف دستبوسی ایشان رسیده آیه (قبضناه الينا قبضاً يسيرا (فرقان / ۴۶)) جلوه نموده (همان. ۹۵).

- سوادى از آن نامه به قلم موى مژه بر صفحه دیده نگاشتم و نسخه‌ای روشن از آن ارقام سعادت انجام برداشتم (و فى ذلك فليتنافس تامتافسون (مطففين / ۲۶)) (همان. ۱۸۱). آیاتى که به قصد توضیح و توصیف در این نامه‌ها و به عنوان بخشی از جمله به کار رفته‌اند شانزده آیه می‌باشند که تقریباً بیست و هفت و نیم درصد از گزاره‌های قرآنى را در بر مى‌گیرند.

(د) استنادی

نویسنده متن ادبی سعی می‌کند در موضوعاتی که با مسائل اعتقادی و فلسفی در ارتباط هستند، از آیات قرآن بهره بگیرد و با این شیوه دیدگاه و اندیشه خود را به مخاطب ثابت کند. استناد به آیات قرآنى یکی از مواردی است که میباید برای بیان اندیشه‌های خود به آن توجه دارد.

- خاصه در یزد که گویا (وادٍ غیر ذی زرع (ابراهیم / ۳۷)) در شأن زمین خراب او و (سراب بقیعه يحسبه الظمان ماء (نور / ۳۹)) در باب آب اوست (میبدی. ۶۳).

- در این وقت که مضمون (سنشد عضدك باخیک و نجعل لكما سلطانا (قصص / ۳۵)) محسوس ابصار است (همان. ۵۴).

- و کلمة طيبة (اليه يصعد الكلم الطيب (فاطر / ۱۰)) که از آسمان وحدت به ارض کثرت نزول فرموده شاهد این حال است (همان. ۷۴).

- به حکم (اما اليتيم فلا تقهر و اما السائل فلا تنهر (ضحی / ۱۰)) مسول او مقبول آید (همان. ۹۴).

- امید که به حکم (ولا تزر وازره وزر اخرى (انعام / ۲۶۴)) گناه اغیار از فقیر نبینند (همان. ۱۰۱).

- دست در آستین تحیر و پای در دامن تفکر کشیده و به تحقیق (اولم یروا انا نأتی الارض ننقصها من اطرافها و الله یحکم لا معقب لحمکه (رعد / ۴۱)) رسید. (اِنَّمَا مِثْلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَا نَزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ لَمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْاَنْعَامُ حَتَّىٰ اِذَا الْاَرْضُ زُخْرَفَتْ... (یونس / ۲۴)) (همان. ۱۲۵).

- حق تعالی بر اسرار قلوب مطلع است و آگاه (اِنَّمَا اشکو بشی و حزنی الی الله

(یوسف / ۸۸) در این قضیه بسیار حیرانم (همان. ۱۲۸).

- چگونه رشوه گیرم و حق تعالی گوید: (و لا تأكلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الى الحکام لتأكلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون (بقره / ۱۸۸)). (همان. ۱۴۳).

- و چگونه مال یتیم تصرف کنم و حق تعالی فرماید: (إن الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً (نساء / ۱۰)). (و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن (انعام / ۱۵۲)). (همان. ۱۴۴).

- هر قدر که مقدور باشد سعی نمایم و به هیچ وجه از وجوه طمع نکنم (ما اسئلكم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین (شعرا / ۱۰۹) (همان. ۱۴۸).

- قال الله فی مدح امیر المؤمنین (اشداء علی الکفار رحماء بینهم (فتح / ۲۹) و قال (اذله علی المؤمنین اعزه علی الکافرین (مائده / ۵۴)) (همان. ۱۵۸).

- اگر مساهله با اشرار نمی کنم به انواع ایذا متضرر خواهم شد. به حکم آیه (و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة (بقره / ۱۹۵)) تنزل باید کرد (همان. ۱۶۷).

- اگر قاصری گوید که اطلاق هیولی بر حضرت حق از کلمات صوفیه فهم می شود مثلاً محقق رومی در مثنوی می گوید:

هر چه بینی در جهان از خیر و شر دو جهت دارد چو بگشایی نظر...

گوییم که حق تعالی در قرآن مجید می فرماید (الا انهم فی مریه من لقاء ربهم الا انه بکل شیء محیط (فضلت / ۵۴)) و: (اینما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع علیم (بقره / ۱۱۵)). (همان. ۱۹۴).

- علمای کرمان تکفیر شاه نورالدین نعمت الله کردند، او فرمود: (يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها اكثرهم الکافرون (نحل / ۸۳)). (همان. ۲۰۱).

- چنانچه فحوای (الرحمن علی العرش استوی (طه / ۵)) کاشف آن است (همان. ۲۰۳).

- نویسنده در توصیف خدا و بیا اینکه بر همه چیز عالم است می گوید: بعد از آن هم در باطن این مرتبه ابتدا ظهور حرکت شهودی می کند: (هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن

و هو بكلّ شیء عليم (طه / ۵). (همان. ۲۰۳).

- مضمون (تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لكن عذاب الله شديد (حج / ۲)) به این وجوه جلوه می‌نمود (همان. ۵۷).

- اکنون به حکم (احسن كما احسن الله اليك (قصص / ۷۷)) دیده‌م محبان را به نور خود روشن می‌باید ساخت (همان. ۱۲۳).

- میبیدی در بیان وجوب حج به این آیه استناد می‌کند: (و الله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً (آل عمران / ۹۷)) (همان. ۱۶۱).

- پس اگر با عدم استحقاق و فقدان استعداد، خود را به یاد درویشان آورم معذور خواهیم بود (و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله و رسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله (نساء / ۱۰۰)) (همان. ۱۹۶).

میبیدی در بیست مورد از گزاره‌های استنادی استفاده می‌کند که تقریباً سی و چهار در صد آیات قرآن را شامل می‌شود.

جدول استفاده از گزاره‌های قرآنی در منشآت میبیدی به شرح زیر است:

تعداد آیات	تبرکی	تعریفی	توضیحی و توصیفی	استنادی
۵۸	۱۰	۶	۱۶	۲۰
درصد	۱۷/۲	۱۰/۳۴	۲۷/۵	۳۴

۲. بررسی تأثیر قرآن در منشآت تفرشی

۲-۱. واژگانی

الف) وام‌گیری

- از این بضاعت مزجات، خبری که شایان به یاران مجلس با سزاواری ارسال به آن محفل قدس داشته باشد نیافتم (تفرشی، ۱۳۹۱: ۴۱).

- اگر متاع کمال که بضاعه مزجات رسته امکان شده... (ص ۳۶)

* و جئتنا ببضاعه مزجاه فأف لنا... (یوسف / ۸۸).

- حقا که بی شائبة ريب و ریا در بادی الرأی این حکایت در نظر آمد (ص ۴۱)

* ... إلا الذين هم أراذلنا بادي الرأی و... (هود / ۲۷).

- صیانت شجر دولت روز افزون از زمهریر مکاید حساد و دشمنان (ص ۷۰)
* فیها علی آرائک لایرون فیها شمسا و لا زمهریر (الانسان / ۱۳).
- از بوستان غیب و نزهتگاه لاریب به جلوه‌گاه حضور و عرصه شهود درآورده
(ص ۲۰)

- ورد الهامات غیب و مطرح فیوضات لاریب ... است (ص ۳۱)
* الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامه لاریب فیہ (النساء / ۸۷)
- رشک فرمای بیت المعمور گشت (ص ۳۸).
* و البیت المعمور و السقف المرفوع (الطور / ۴)
- که کتاب کریم و خطاب واجب التعظیم شرف ورود ارزانی داشته (ص ۳۸)
* قالت یا ایها الملأ الی القی الی کتاب کریم (النمل / ۲۹)
- اما کمک به حرامی از این فقیر سر نزنده که باعث خسران دنیا و آخرت باشد
(ص ۵۲).

* انقلب علی وجهه حسرالدنیا و الاخره ذلک هو الخسران المبین (الحج / ۱۱)

(ب) ترجمه

- برق عنایتی که از وادی ایمن الطاف صاحبی ... تابان گشته بود (ص ۷۲)
* فلما اتاها نودی من شاطی الواد الیمن فی البقعه المبارکه (القصاص / ۳).
- از مصلحت نفس اماره خویش به صلاح حال ولی نعمت نپرداخته (ص ۷۳)
* و ما ابری النفسی إن النفس الاماره بالسوء... (یوسف / ۵۳)
- نه توفیق آنکه در مقام اعتذار و استغفار برآید (ص ۸۴)
* و ما کان استغافراً ابراهیم لایه الا عن موعده (التوبه / ۱۱۴).

(ج) برآیندسازی

- و مخلص متخصص را بر منهج رشاد اخلاص و اعتقاد و مسکین تشدید مبانی
صلح و سداد استوار و برقرار دانند (ص ۳۵).
* در قرآن سبیل رشاد داریم:
و قال الذی آمن یا قوم اتبعون اهدکم سبیل الرشاد (غافر / ۳)

و ما اهدیکم الاسبیل الرشاد (غافر ۲۹)

- بارقة الطاف خطاب مسرت سرایت از طور لامع النور مرحمت و... (ص ۶۲)

جدول استفاده تفرشی از تاثیر پذیری واژگانی

تعداد ترکیب‌ها	ترجمه	وام‌گیری	برآیندسازی
۱۴	۳	۹	۲
درصد	۲۱/۴	۶۴/۲	۱۴/۳

۲-۲. الهامی

مقدار بهره‌گیری تفرشی از رویکرد الهامی اندک و ناچیز است.

- هنگام بهار و زمان اعتدال لیل و نهار رایات اقبال به تسخیر ممالک عراق عرب و

شام و حلب در اهتزاز آمده (ص ۲۴)

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار آیات لاولی الالباب (آل

عمران / ۱۹۰)

- جز طریق انیق تحت شیوة رضیه مرضیه مودبت پیرا پیشنهاد خاطر این محب ناقص

... (ص ۳۴)

* یا ايتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه المرضیه (الفجر / ۲۸)

۳-۲. گزاره‌ای

تفرشی نیز از آیات قرآنی به صورت گزاره‌ای در منشآت خود استفاده می‌کند. موارد

استفاده او از گزاره‌های قرآنی به صورت تبرکی، توضیحی و توصیفی است.

الف) تبرکی

تفرشی توجه چندانی به استفاده از آیات قرآن در ابتدا و انتهای نامه ندارد. او در دو

مورد در انتهای نامه از آیات قرآن استفاده می‌کند.

- در انتهای نامه‌ای می‌آورد: یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً (نساء / ۷۳)

(تفرشی. ۱۷)

نکته جالب توجه این است که نامه دیگری را نیز با ذکر همین آیه ختم می‌کند

(همان. ۶۶).

مورد دیگر استفاده از آیات برای تبرک، جملات معترضه است. که البته تعداد آیات این بخش نیز زیاد نیست:

- تا به پاداش آن تصاعد بر مدارج معارج اقبال نموده به مسرت ابدی فایز گردد (و لبیلونکم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين (بقره / ۱۵۵)) منتظر ورود فیوضات غیبی و فتوحات لاریبی باشند (همان. ۵۰).

- قیوم کائنات را در این امور حکم و مصالح بسیار است (و لنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم يرجعون (سجده / ۲۱)) (همان. ۶۶)

- این معنی بر حق سبحانه ظاهر است (و کفی به شهیداً (احقاف / ۸)) (همان. ۷۶).
تعداد گزاره‌های قرآری به کار رفته در منشآت تفرشی ۳۴ آیه است که سهم آیات تبرکی ۵ آیه است که تقریباً ۱۴/۷ درصد را شامل می‌شود و با احتساب آیه تکراری کمتر از این هم می‌شود و همین ارقام نشان دهنده عدم علاقه نویسنده به این شیوه استفاده از آیات قرآنی است.

ب) توضیحی

یکی از موارد مورد علاقه تفرشی استفاده از آیات قرآنی به صورت گزاره‌ای برای توضیح یا توصیف موضوع است.

- از لوازم اشراقات آن خطاب مستطاب عظم ریمیم به مقال (ینی القی الی کتاب کریم (نمل / ۲۹)) گویا شده (همان. ۶).

- سراپرده یگانگی که به صفت (حور مقصورات فی الخیام (رحمن / ۷۲)) (لم یطمئن انس قبلهم و لا جان (رحمن / ۷۴)) انصاف داشتند (همان. ۲۱).

- دل نیازمند و زبان لابه‌گر به دریوزه (رتنا آتنا من لدنک رحمه و هیئ لنا من امرنا رَشداً (کهف / ۱۰)) فرستاده (همان. ۲۵).

- زبان بیان گویای کلمه طیبه (الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب (کهف / ۱)) گشت (همان. ۲۵).

- زبان بیان به مقال (الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب (کهف / ۱)) سپاس پیرایی آغاز نهاد (همان. ۳۸). ذکر این توضیح لازم است که این آیه را در نامه‌ای دیگر هم ذکر

کرده است.

- لسان طرب به کلمه طيبة (إني القى اليّ كتاب كريم (نمل / ۲۹) در اهتزاز بود و به سپاس سبحان الذي (يحيى العظام و هي رميم (يس / ۷۸)) ستایش گذار. (همان. ۵۳).
- به شکرانه وفود مسعود آن خطاب مستطاب ذکر (الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب (كهف / ۱)) بر ذمت عبودیت خویش لازم ساخته (همان. ۵۴). این آیه را در نامه‌های دیگر هم آورده.
- باز پرس آن هر (يوم لا ينفع مال و بنون الا من التى الله بقلب سليم (شعرا / ۸۸)) از ایشان خواهد بود (همان. ۶۰).
- از خطاب (يا ايها الانسان ما عزك برّبك الكريم (انفطار / ۶) شرمساری درگاه الهی طاری نگردد (همان. ۶۰).
- از شجرة مرحمت ثمر اقبال به مقتضای فحوای (إني آنست ناراً (طه / ۱۰)) نیستی کلبه تاریک دلان زاویه گمنامی را مشرق امید ساخت (همان. ۶۱).
- تعداد گزاره‌های قرآنی با شیوة توضیحی که در منشآت تفرشی به کار رفته اند ده آیه است که حدوداً ۲۹/۴ درصد را شامل می‌شود و نشان دهنده توجه نسبی نویسنده به این مقوله است.

ج) استنادی

- تفرشی توجه خاصی به آوردن آیات قرآنی برای به اثبات رساندن دیدگاه خود دارد.
- از دیدگاه قیوم کائنات و مبدع موجودات به حکم (يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه و سلموا تسليما (احزاب / ۵۶)) در هر زمانی و هر مکانی استدعای ... (تفرشی. ۳۰).
- ایجاد نوع گرامی انسانی به حکم (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (الذاریات / ۵۶)) جز شناخت سبحانی و پرستش ربّانی امری دیگر نیست (همان. ۳۱).
- بر حسب مفاد صدق بنیاد (و لا تنقصوا الايمان بعد توکيدها (نحل / ۹۱)) و فحوای حقیقت انتمای (و الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و يقطعون ما امر الله به ان يوصل و يفسدون في الارض اولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار (رعد / ۲۵)) (همان. ۳۴).
- تفرقة خواطر روا ندارد که (يوم لا ينفع مالٌ و لا بنون الا من اتى الله بقلب سليم

- (شعرا/ ۸۸) بازخواست خواهد شد (همان. ۳۵).
- به ذریعة امتثال فرمان واجب الذعان (یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما (احزاب/ ۵۶) خود را مستعد قبول فیضان رحمت ربانی گردانیده (همان. ۵۷).
- بر وفق مشیّت (و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات (انعام/ ۱۶۵)) به ذات جمیل صفات... تفویض یافت (همان. ۵۷).
- به حکم (لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنّ لهم دینهم الذی ارتضی لهم (نور/ ۵۵)) قبض و بسط امور عالم و عالمیان... به قوّت دانش و بینش آن نقاوة خاندان سلطنت... مربوط گشته (همان. ۵۷).
- داور حقیق که نوع گرامی انسان را به تشریف (و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات (اسرا/ ۷۰)) مشرب به ساخته به سعادت (و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (اسرا/ ۷۰) اختصاص داده (همان. ۵۹).
- دیده یعقوبی را که بر شاهراه الطاف مخادیم به حکم (و ابیضت عیناه من الحزن (یوسف/ ۸۴)) سفید گشته (همان. ۶۲).
- برادر به جان برادر که در عالم صورت و معنی به حکم (سنشد عضدک باخیک (قصص/ ۳۵)) اعتضاد و استظهار این نادان هیچ مدان... (همان. ۶۲).
- چنانکه آیه (و اننی هدانی (انعام/ ۱۶۱)) و (لا تشمت بی العداء) بدان افصح می- نماید (همان. ۶۵).
- از شجر عطوفت ثمر مسکین نوازی به مقتضای فحوای (انی انست ناراً (طه/ ۱۰)) کلبه امید تاریک دلان زاویه گمنامی را مشرق امید ساخت (همان. ۷۲).
- تعداد گزاره‌های قرآنی که به صورت استنادی در نامه‌های تفرشی آمده‌اند ۱۲ آیه است که تقریباً ۳۵/۳۰ درصد را شامل می‌شود با ذکر این نکته که تعدادی از آیات مورد استناد تکراری هستند.

تعداد آیات	تبرکی	تعریفی	توضیحی و توصیفی	استنادی
۳۵	۵	۰	۱۰	۱۲
درصد	۱۴/۷	۰	۲۹/۴	۳۵/۳۰

نتیجه‌گیری

تأثیرپذیری از قرآن یکی از مواردی است که در سده‌های مختلف مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده و می‌تواند ملاک دانش دینی آنها باشد. در این مقاله میزان و نوع استفاده دو تن از منشیان دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن در زیر بیان می‌گردد:

- میبیدی در تأثیرپذیری از قرآن به نوع واژگانی توجهی ویژه دارد به گونه‌ای که نصف ترکیب‌های قرآنی را به این موضوع اختصاص می‌دهد. در تأثیرپذیری واژگانی هم بیشتر به ترجمه توجه می‌کند. دو نوع وام‌گیری و برآیندساز در رده‌های بعدی هستند. در این نوع، تفرشی بیشتر از وام‌گیری استفاده می‌کند و تقریباً ۶۵ درصد موارد را به آن اختصاص می‌دهد. ترجمه و برآیندسازی در مراتب بعدی قرار می‌گیرند.

- استفاده از رویکرد الهامی که نشان‌دهنده آشنایی بیشتر شاعر یا نویسنده با مفاهیم قرآنی است در نوشته‌های میبیدی بیشتر دیده می‌شود ولی تفرشی به ندرت و محدود از آن استفاده می‌کند.

- در زمینه تأثیرپذیری گزاره‌ای میبیدی بر شیوه تبریکی تأکید دارد در حالی که تفرشی فقط دوبار از این روش استفاده می‌کند. وی از جملات معترضه هم زیاد استفاده نمی‌کند.

- تفرشی از روش تعریفی استفاده نمی‌کند اما میبیدی که در نامه‌هایش به اثبات عقاید خود می‌پردازد و گاه با مخاطب نامه جدل می‌کند برای تعریف موضوع بر آیات قرآنی استناد می‌کند. حدود ده درصد از تأثیرپذیری گزاره‌ای در منشآت میبیدی با شیوه تعریفی است. بر اساس همین رویکرد از گزاره‌های توضیحی و استنادی هم به مقدار مجموع ۶۱ درصد استفاده می‌کند. به کاربردن آیه قرآنی برای توضیح و توصیف موضوع از موارد مورد علاقه تفرشی است. تقریباً ۳۰ درصد گزاره‌های تفرشی از این نوع است. ۳۵ درصد آیات هم به شیوه استنادی در متن نامه‌ها می‌آیند که نشان می‌دهد اقناع با استفاده از آموزه‌های قرآنی مورد توجه منشی نامه بوده.

برآیند پژوهش نشان می‌دهد که میبیدی به اقتضای شغلش که منصب قضاوت شهر را برعهده داشته، از نظر کمیت بیشتر از تفرشی از آیات قرآنی استفاده می‌کند. کیفیت و چگونگی استفاده میبیدی از آیات هم بیشتر و تخصصی‌تر از میبیدی است. استفاده تفرشی از آیت قرآنی به ضرورت و بدون تکلف است.

فهرست منابع

۱. انوشه، حسن. (۱۳۷۶). دانش‌نامه‌ی ادب فارسی. ج ۲. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی دانش‌نامه.
۲. تویسرکانی، قاسم. (۱۳۸۳). مقدمه بر نامه‌های رشیدالدین وطواط. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حسینی تفرشی، محمدحسین بن فضل‌الله. (۱۳۹۰). منشآت. تصحیح و تعلیقات محسن بهرام-نژاد. چاپ اول. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی اسلامی.
۴. خاقانی، افضل‌الدین. (۱۳۸۴). منشآت. تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. خوشدل‌تهرانی، علی‌اکبر. دیوان. چاپ دوم، تهران: ما. ۱۳۷۰
۶. راستگو، سیدمحمد. (۱۳۸۳). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. چاپ سوم. تهران: سمت.
۷. غروی‌اصفهانی، محمدحسین. دیوان کمپانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۷۱
۸. قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰).. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۹. موسوی، سیده زهرا و ذوالفقاری، محسن. (۱۳۹۲). نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی. در پژوهش‌های ادبی - قرآنی دانشگاه اراک. بهار ۹۲. شماره اول.
۱۰. میبدی، حسین بن معین‌الدین. (۱۳۷۶). منشآت. تصحیح نصرت‌الله فروهر. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب و نقطه.